

نقش دارالترجمه طلیطله در انتقال علوم اسلامی به غرب

محمدجعفر اشکواری^۱

پریسا غفارزاده^۲

چکیده

فتوحات مسلمانان در قلمروی امپراتوری بیزانس منجر به کشمکش بین آن‌ها و مسیحیان شد و بعدها با بی‌نتیجه ماندن توهین و افترا از طرف آباء کلیسا به اسلام و مسلمانان و جنگ‌های صلیبی، ترجمه متون عربی به لاتین در دستور کار قرار گرفت. دارالترجمه طلیطله اولین مرکز ترجمه علوم به شمار می‌رفت که توسط اسقف اعظم ریموند^۱ در سال ۴۷۸ ق تأسیس شد. این مرکز که با هدف ترجمه دانش مسلمانان از عربی به لاتین شکل گرفته بود، با تلاش افرادی مانند دومینگو گوندیسالوو^۲ و جرارد کرمونایی^۳ ادامه یافت و آثار مختلفی در زمینه فلسفه، طب، ریاضیات و نجوم ترجمه شد. پژوهش حاضر با روش تاریخی و با تکیه بر منابع متقدم جغرافیایی، تاریخی و پژوهش‌های نوین ابتدا سعی در تبیین موقعیت جغرافیایی طلیطله دارد و دلایل انتخاب آن را به‌عنوان دارالترجمه می‌کاود، سپس به معرفی مترجمین و ترجمه‌های آن‌ها پرداخته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد طلیطله پیش از حضور مسیحیان دارای کتابخانه بزرگی بود، ضمن اینکه حضور یهودیان، موارب (مستعربان اسپانیا) و افرادی که به زبان‌های عربی، عبری و لاتین مسلط بودند سبب شد تا به‌عنوان اولین مرکز ترجمه در اسپانیا تبدیل شود.

واژه‌های کلیدی: طلیطله، دارالترجمه، اندلس، نهضت ترجمه.

^۱ استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان Ashkevari@znu.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان Parisagaffarzadeh70@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۰۴

مقدمه

اسپانیا یا اندلس در منتهی الیه غربی ممالک اسلامی در سال ۹۲ ق به دست موسی بن نصیر و طارق بن زیاد فتح شد. از ۹۲-۱۳۸ ق توسط والیان اداره شد، سرانجام در سال ۱۳۸ ق با آمدن فردی از خاندان اموی مقتدرترین دولت اسلامی در اندلس و تأسیس شد. دولت اموی تا سال ۴۲۲ ق حکومت را در اندلس در دست داشتند و در این مدت اندلس در زمینه فرهنگ و تمدن شکوفا شد. با انقراض امویان دوران ملوک الطوائفی پدید آمد و این موضوع سبب شد تا مسیحیان دست‌اندازی به اسپانیا را آغاز کنند. فتح شهر طلیطله در سال ۴۷۸ ق که از بزرگ‌ترین مراکز علمی و فرهنگی اندلس به شمار می‌رفت، ضربه مهلکی را بر ادامه حضور مسلمانان در اسپانیا وارد ساخت. اگرچه حضور مسلمانان تا سال ۸۹۷ ق ادامه یافت، اما هیچ‌گاه مسلمانان قدرت و عظمت گذشته خود را در اندلس به دست نیاوردند.

اسپانیا از مهم‌ترین مراکز انتقال فرهنگ و علوم اسلامی به اروپا بود. گذشته از مسیحیان اندلس - چه اهل ذمه و چه مستعربان^۴، مسیحیان در فرانسه و ایتالیا روابط گسترده‌ای با مسلمانان داشتند. برخی برای فراگیری علوم به اندلس می‌آمدند از این جمله می‌توان به جربرت دی اورالیاک^۵ (۳۹۳ ق) اشاره کرد که برای فراگیری علوم اسلامی به ویژه ریاضیات به اندلس رفت و بعدها با عنوان سیلستر دوم^۶ به مقام پاپی رسید. گسترش نفوذ مسیحیان و تصرف سرزمین‌های اسلامی که از اواسط قرن پنجم قمری/ یازدهم میلادی به‌طور گسترده‌ای آغاز شد، زمینه را برای دستیابی بیشتر مسیحیان به علوم اسلامی فراهم ساخت که باعث تحول فکری و احیای اندیشه علمی در آنان و اروپاییان شد. بر همین اساس آنان در قرن دوازدهم حرکت



علمی جدیدی را آغاز کردند که نخستین گام آن ترجمه متون علمی از زبان عربی به لاتین و قشتاله (کاستیلی) بود.

طلیطله پایتخت کشور وزیگت‌ها در شمال قرطبه، ساحل رود تاجه و مرز پادشاهی قشتاله و لیون واقع بود و بعد از فتح اسپانیا توسط مسلمانان یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پایگاه‌های اسلامی اسپانیا بشمار می‌آمد. بعد از سقوط طلیطله در سال ۴۷۸ ق، به همت ریموند طلیطلی دارالترجمه‌ای در شهر تأسیس شد که تا یک قرن بعد به فعالیت خود ادامه داد و افرادی مانند جرارد کرمونایی، مرقس طلیطلی، دومینگو گوندیسلاوو، یوحنا اشیبلی، هرمان دالماتی بسیاری از آثار مسلمانان در زمینه طب، ریاضیات، نجوم و فلسفه را ترجمه کردند. به همین دلیل اسپانیا با مرکزیت طلیطله و سیسیل به‌عنوان دو معبر مهم انتقال علوم اسلامی به غرب شناخته می‌شوند؛ بنابراین در روند مطالعات اسلامی در غرب، دارالترجمه طلیطله نقش و جایگاه مهمی داشت که پژوهش حاضر درصدد معرفی این مرکز ترجمه و مترجمان برجسته آن است.

طَلِیْطَلَه: وجه تسمیه، موقعیت جغرافیایی

طلیطله به سه صورت در منابع آمده است: طَلِیْطَلَه (حموی، ۱۹۹۰: ۴۵/۴؛ ابن شباط، ۱۹۶۸: ۳۹)، طَلِیْطَلَه (بغدادی، ۱۹۵۴: ۸۹۲) و طَلِیْطَلَه (حمیری، ۱۹۸۴: ۱۳۳). از بین موارد گفته‌شده، طَلِیْطَلَه مشهورتر است. بکری نوشته است که طلیطله را در زبان لاتینی، «تولاطو» می‌نامیدند (بکری، ۱۹۶۸: ۸۶). طلیطله را از کلمه «طَلِیْطُم»^۷ به معنای شادی و شادابی دانسته‌اند (نک: ارسلان، ۱۹۶۴: ۳۶۳/۱؛ بکری، ۱۹۶۸: ۸۶؛ حمیری، ۱۹۸۴: ۱۳۳). طلیطله در اقلیم پنجم از اقالیم هفت‌گانه واقع است (بکری، ۱۹۶۸: ۷۸؛ حمیری، ۱۹۸۴: ۱۳۳). می‌توان گفت تقریباً طلیطله در مرکز اندلس قرار دارد و برخی نسبت آن را با سرزمین اندلس مانند نقطه در مرکز دایره دانسته‌اند (ابن بسام، ۱۹۷۸:



۲/۲۴۹). از شهرهای اطراف طلیطله می‌توان به قُرطَبه، بَلَنسیه، اَلْمَریه، اَلشَبونَه و سَنَت بَریه اشاره کرد. یاقوت حموی در توصیف طلیطله آنجا را شهری بزرگ و نیکو خوانده است. همچنین وی نوشته است که شهر را دقیانوس پادشاه دوره اصحاب کهف ساخت. می‌گویند مکانی نزدیک طلیطله وجود دارد که اجساد اصحاب کهف بدون اینکه خللی در آنها ایجاد شود تا الآن باقی مانده‌اند و الله اعلم (حموی، ۱۹۹۰: ۴/۳۹-۴۰). فاصله طلیطله تا قرطبه ۷ روز راه سواره بود (همان، ۴/۴۰). اکنون این شهر را «تولدو»^۸ نامند.

طلیطله به دلیل قرار گرفتن بر روی منطقه صخره‌ای، شهری مرتفع به حساب می‌آمد. اطراف طلیطله را از سه جهت به‌غیراز سمت شمال رودخانه تاجه فراگرفته است (ابوالفداء، ۱۸۴۰: ۱۷۷؛ ابن حیان، ۱۹۸۳: ۵/۲۷۸-۲۷۹). همچنین کوه‌های متعددی اطراف طلیطله را در برمی‌گیرد که سلسله جبال الشارات در شمال، کوه‌های اوریتانا در جنوب از مهم‌ترین‌ها به شمار می‌روند (مونس، ۱۹۹۶: ۱/۱۳۳). با توجه به مطالب گفته‌شده، می‌توان دریافت که طلیطله با موانع طبیعی محافظت می‌شد، به همین دلیل رودخانه تاجه و سلسله کوه‌ها سد محکمی در برابر مهاجمان بوجود آورده بود که ورود به آنجا بدون تجهیزات امکان‌پذیر نبود.

باید توجه داشت طلیطله فقط در دوره اسلامی اهمیت نداشت، بلکه پیش از ورود اسلام به اندلس قسطنطین آنجا را به‌عنوان کرسی بخش چهارم از مناطق پنج‌گانه اندلس در نظر گرفته بود که شهرهای مختلف مانند اوریط، شغوبیه، وادی الحجاره زیرمجموعه آن به شمار می‌رفتند (بکری، ۱۹۶۸: ۵۹-۶۲-۶۳). این موضوع در دوره اسلامی نیز ادامه یافت و طلیطله به‌عنوان یکی از کوره‌ها و ولایت‌های مهم اندلس به شمار می‌رفت. یوسف فهری در تقسیم‌بندی اداری اندلس، طلیطله را یکی از ولایات



پنجگانه قرار داد. این ولایت از کوه‌های قرطبه تا رودخانه دویره و سلسله جبال الحجاره در شمال امتداد داشت. (عنان، ۱۹۹۷: ۱۳۲/۱).

طلیطله در تابستان گرم و در زمستان آب‌وهوای معتدل دارد. باران به‌ویژه در فصل زمستان می‌بارد و در سلسله جبال اطراف هوا عموماً سرد و کوهستانی است. طلیطله را به دلیل کثرت پادشاهانی که آنجا را به‌عنوان پایتخت خود انتخاب کرده بودند «مدینه الملوک» می‌نامیدند و برخی تعداد پادشاهان را ۲۷ نفر دانسته‌اند (قزوینی، ۱۹۸۰: ۵۴۵؛ مقرئ، ۱۹۶۷: ۱۵۲/۱). درباره پیشینه طلیطله اختلاف نظر وجود دارد، برخی پیشینه آن را به زمان فینیقی‌ها می‌رسانند و برخی نیز آن را از آثار دوره دیوسقیوس می‌دانند (ابن حیان، ۱۹۸۳: ۲۷۲/۵؛ ابن خلدون، ۱۹۷۴: ۱۴۰/۴). برخی دیگر قدمت آن را به قرن ششم قبل از میلاد می‌رسانند (بستانی، بی‌تا: ۳۳۵/۱۱-۳۳۶). البته ابن عذاری مراکشی، اکتیبان قیصر را بنیان‌گذار طلیطله دانسته است (مراکشی، ۱۹۶۷: ۱۴/۲). نمی‌توان درباره این مطالب اظهار نظر کرد، اما از مطالب بکری می‌توان پی برد که از قرن دوم قبل از میلاد این شهر وجود داشته است، زیرا وقتی که در سال ۴۶۷ میلادی گوت‌ها آنجا را فتح کردند، حدود ۶ قرن از حضور رومیان در طلیطله گذشته بود (بکری، ۱۹۶۷: ۸۳). حکومت گوت‌ها تا زمان حضور مسلمانان در سال ۹۲ قدامه داشت که لُذریق (رودریک) آخرین فرد به شمار می‌رفت و در این مدت طلیطله به‌عنوان مرکز حکومت آن‌ها محسوب می‌شد (مراکشی، ۱۹۶۷: ۲/۲).

طلیطله: از آغاز فتح اسلامی تا سقوط

فتح اندلس در زمان ولید بن عبدالملک و به دست سردارش موسی بن نصیر و همراهی طارق بن زیاد در سال ۹۲ ق صورت گرفت (بلاذری، ۱۹۵۷: ۲۲۸). شهرها و مناطق اندلس یکی پس از دیگری به تصرف مسلمانان در آمد و شهر طلیطله نیز در سال ۹۲



ق درحالی که بسیاری از مدافعان، شهر را خالی کرده بودند و تعدادی از مسیحیان و یهودیان در آن حضور داشتند توسط طارق بن زیاد فتح شد (ابن قوطیه، ۱۹۹۴: ۲۲؛ بلاذری، ۱۹۵۷: ۲۲۸). از این شهر مرحله دوم فتح مناطق شمالی اندلس توسط طارق بن زیاد آغاز شد. البته موسی بن نصیر بعد از فتح شهرهای مختلف اندلس در سال ۹۴ ق وارد طلیطله شد و طارق بن زیاد نیز به استقبال وی رفت (مجهول المؤلف، ۱۹۸۱: ۲۶-۲۷؛ مقرئ، ۱۹۶۷: ۱/۲۵۳). تا سال ۱۳۸ ق که دوره والیان در تاریخ اندلس محسوب می شود، طلیطله همواره مورد توجه قرار داشت. بعد از سپری کردن دوره‌ای پرفرازونشیب در دوره امویان اندلس، طلیطله به عنوان پایتخت بنی ذی النون (۲۷۴-۴۷۸ ق)^۹ انتخاب شد. در دوره فرمانروایی مأمون بن ذی النون (د. ۴۶۷ ق) طلیطله به جایگاه رفیع در مینه‌های مختلف علمی و اداری نائل آمد اما جانشین وی یعنی یحیی ملقب به قادر نتوانست میراث مأمون را حفظ کند. بعد از فرار قادر از طلیطله و به دنبال درخواست مردم شهر، متوکل عمر بن مظفر ابن الافطس حاکم بطلیوس در سال ۴۷۲ ق وارد طلیطله شد (ابن بسام، ۱/۱۹۷۸: ۱۵۸-۱۵۹؛ ابن سعید، بی تا: ۱۳/۲). به دنبال این اتفاقات الفونسو ششم^{۱۰} پادشاه قشتاله [کاستیل] و لیون به حمایت قادر پرداخت و در سال ۴۷۴ ق به طلیطله آمد و متوکل از شهر گریخت (ابن بسام، ۱۹۷۱: ۱/۱۵۸-۱۶۳). به دنبال این اتفاقات، الفونسو ششم از فرصت نهایت استفاده را برد و توانست بعد از ۹ ماه محاصره، بنابر قولی در دهم محرم (حمیری، ۱۹۸۴: ۱۳۵؛ مقرئ، ۱۰۴۱: ۶/۸۴-۸۶) یا اواخر ماه صفر (ابن خلکان، ۱۴۱۴: ۵/۲۷). ۴۷۸ ق/ ۱۰۸۵ م طلیطله را به تصرف خود درآورد. (ابن اثیر، ۱۴۱۳: ۱۰/۱۰) اگرچه تلاش‌هایی توسط یوسف بن تاشفین در سال ۴۸۳ ق. و علی بن یوسف بن تاشفین در سال ۵۰۳ ق برای بازگرداندن طلیطله صورت گرفت، (ابن آبار، ۱۹۵۸: ۲/۹۰-۱۰۰؛ ابن عذاری، ۱۹۶۷: ۴/۵۲-۵۷؛ مقرئ، ۱۹۶۷: ۶/۲۲۲)، اما نتیجه‌ای

در برداشت و طلیطله دوران جدیدی از حیات خود را تحت لوای مسیحیان آغاز کرد.

دارالترجمه طلیطله: بیت الحکمه اندلس

نهضت ترجمه در اندلس را به دو بخش تقسیم می‌کنند: پیش از دوره بزرگ ترجمه که شامل فعالیت‌های ترجمه تا اوایل قرن ششم هجری / دوازدهم میلادی می‌شود و دوره بزرگ ترجمه که دو مرحله را در برمی‌گیرد؛ قرن ششم هجری / دوازدهم میلادی و قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی (کلباسی اشتری، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۱۸). دوره دوم از نظر مرکزیت، تعداد مترجمین، نظام‌مند بودن و تعداد ترجمه در مقایسه با دوره اول اهمیت بیشتری دارد، بنابراین دارالترجمه طلیطله در کانون نهضت ترجمه در اندلس قرار می‌گیرد.

همان‌گونه که گفته شد این شهر از لحاظ جغرافیایی در مرکز شبه جزیره ایبریا واقع بود و به دنبال باز پس‌گیری اسپانیا توسط مسیحیان، پاپ اوربان دوم طلیطله را در سال ۴۷۸ ق به‌عنوان مقر اسقف اعظم کلیساهای اسپانیا برگزید و مرکزیت دینی

آن را تقویت کرد. باید توجه داشت که نهضت ترجمه از عربی به لاتینی از قبل در نواحی مختلف اسپانیا شروع شده بود و از سده ششم هجری قمری / دوازدهم میلادی در طلیطله متمرکز و سامان یافت (همتی، ۱۳۸۶: ۳۴-۳۵؛ جنثالث بالنتیا، ۱۹۵۵: ۵۳۰).

با این‌وجود طلیطله بنابر دلایلی آمادگی لازم را برای ایجاد یک مرکز ترجمه داشت، زیرا سه گروه در این شهر سکونت داشتند: مسیحیان، اعراب مسلمان و یهودیان. یهودیان در زمینه ترجمه نقش واسطه را در میان مسیحیان و مسلمانان ایفا می‌کردند. در دوره فرمانروایی مسلمانان بر این شهر کتابخانه‌های بزرگی در آن تأسیس شده بود، به‌عنوان نمونه المستنصر در کتابخانه طلیطله بیش از ۴۰۰ جلد کتاب عربی فراهم کرده بود (حایک، ۱۹۸۷: ۷-۸). علاوه بر این می‌توان به افرادی اشاره کرد که چند



زبان می‌دانستند و در این شهر زندگی می‌کردند. وقتی آلفونسو ششم طلیطله را بدون جنگ و خونریزی تصرف کرد بسیاری از علما، دانشمندان و صاحب‌نظران در شهر ماندند و آلفونسو خود را «پادشاه دو دین»^{۱۱} معرفی کرد. البته باید توجه داشت حضور موازرب^{۱۲} «مسیحیان مستعرب» که پیوند خود را با مسیحیت حفظ کرده بودند همچنین آن‌ها به دو زبان عربی و لاتین صحبت می‌کردند، از ویژگی‌های دیگر طلیطله محسوب می‌شد.

همان گونه که گفته شد طلیطله در دوران اسلامی نیز به‌عنوان جایگاه علم و دانش به شمار می‌رفت به‌ویژه در دوران حکومت بنی‌ذی‌النون (۴۲۷-۴۷۸ ق) این شهر به‌مانند سرقسطه در دوران بنی‌هود به رونق علمی دست‌یافت (Burnett, 2001: 249-250). به همین دلیل طلیطله در زمینه فعالیت‌های علمی و به‌ویژه ترجمه و انتقال علوم اسلامی به اروپا فعال شد و این مرکز مانند بیت‌الحکمه به‌عنوان قبله دانش‌آموختگان کل اروپا مطرح شد و نقش بسیار مهمی در تاریخ فکری اروپا ایفا کرد، به‌گونه‌ای که تنها در علم طب متجاوز از سیصد کتاب در آنجا ترجمه شد (رشاد، ۱۳۷۳: ۲۴).

دارالترجمه طلیطله از سال ۵۱۸ تا ۵۴۵ ق توسط اسقف اعظم رایموندو اداره می‌شد (کعدان و عنجرینی، ۱۳۸۹: ۵۸). این دوره همزمان شد با حکومت آلفونسو هفتم (۵۱۹-۵۵۱ ق) و پناهندگی بسیاری از مترجمین یهودی که به دنبال سختگیری‌های عبدالمومن بن علی موحدی از شمال آفریقا به اندلس و طلیطله پناه آورده بودند (جتثال بالنتیا، ۱۹۵۵: ۵۳۰). همچنین وی از مترجمان و نویسندگان مختلفی برای حضور در دارالترجمه طلیطله دعوت به عمل آورد. در طی مدت ریاست وی آثار بسیاری در زمینه ریاضیات، نجوم، طب، کیمیا، تاریخ طبیعی، ماوراءالطبیعه، منطق و سیاست ترجمه شد. به‌عنوان نمونه کتاب ارغنون ارسطو که مسلمانان نیز شروح زیادی

بر آن نوشته بودند. البته آثار فلاسفه بزرگ اسلامی مانند کندی، فارابی، ابن سینا، غزالی و ابن رشد نیز در این مدت ترجمه شد (همان: ۵۳۷). سپس دومینیگو گوندیسالوو طی سال‌های ۵۲۴ تا ۵۴۴ قمری ریاست آن را بر عهده گرفت (نصری، ۱۹۹۳: ۲۹۱).

با تسلط آلفونسو دهم ملقب به «حکیم»^{۱۳} (Pym, 1997: 448) کوچک‌ترین فرزند فریدیناند سوم (۶۱۷-۶۸۲ ق) که طی پادشاهی لیون و قشتاله بود، این دارالترجمه دوران باشکوهی را سپری کرد، زیرا وی به کارهای علمی علاقمند و مانند برخی از خلفای شرق جهان اسلام هم‌نشین ادبا و علما بود (شعبان، ۱۹۷۹: ۱۱۰-۱۱۲) گویندوی قصد داشت که در اهتمام به کار ترجمه از مأمون عباسی پیروی کند. (کلباسی اشتری، ۱۳۸۹: ۱۱۶) بنابراین گروهی از مسیحیان، مسلمانان و یهودیان زیر نظر آلفونسو دهم مشغول به فعالیت بودند و خود وی بر امر ترجمه و تلخیص و نگارش نظارت می‌کرد (جتالث بالثیا، ۱۹۵۵: ۵۷۳-۵۷۴). در زمان وی آثار زیادی نیز به زبان اسپانیایی ترجمه شد، مهم‌ترین آن‌ها عبارت بود از انجیل، کلیله و دمنه، تلمود و برخی از کتاب‌های ابن رشد. الفونسو همچنین دستور داد تا کتاب‌هایی در زمینه بازی‌های رایج در شرق جهان از جمله شطرنج ترجمه شود (همان: ۵۷۴)

در زمینه تألیف کتاب نیز کارهایی صورت گرفت. وی افرادی از اهل علم را برای این منظور به طلیطله آورده بود. همچنین دستور داد تا برخی ادوات و تجهیزات در زمینه علم فلک (هیئت یا نجوم ستی) ساختند که تا آن زمان ناشناخته بود. چند نمونه از آثاری که در زمان وی نوشته شد عبارت‌اند از: کتب الاربعه فی نجوم الفلک الثامن، کتب الألفنسیه فی أجهزه علم الفلک و ادواته و کتبه، کتاب الزیج الألفونسی. بسیاری از کتاب‌هایی که در این تألیف از آن استفاده شد نقل قول از زرقالی و مسلمه مجریطی



و علی بن خلف فلک‌شناس دربار مأمون بن ذی النون حاکم طلیطله بود (همان: ۵۷۴-۵۷۶). در زمان وی همچنین کتابی به زبان قِستاله با عنوان «الحولیه التاریخیه الکبری لاسبانیا» نوشته شد. اگرچه این کتاب از بین رفته است، اما نقل قول‌هایی از آن در آثار ابن عذارى مراکشی، ابن الابرار و ابن خطیب وجود دارد. همچنین کتاب «اخبار الخلفاء» به قلم ابن الکردبوس نوشته شد که در اواخر قرن ششم هجری می‌زیست. در این دوره نیز همچنان محوریت با مدرسه ترجمه طلیطله بود. وجه تمایز این دوره با دوره قبل این است که دوره اول به «ترجمه از عربی به لاتینی» شهرت داشت، اما این دوره به «ترجمه از عربی به اسپانیایی و رومی» شهرت دارد. مترجمان دربار آلفونسو دهم زبان لاتینی را به خوبی نمی‌دانستند، از این رو ترجمه به رومی و اسپانیایی مورد توجه قرار گرفت و گاه متن‌های ترجمه‌شده به اسپانیایی، به لاتینی و فرانسوی نیز ترجمه شد. همچنین در دوره اول، ترجمه آثار فلسفی بیشتر مورد توجه بود، اما در دوره دوم به شاخه‌های دیگر دانش، از قبیل علم، فلک، نجوم، حساب، آثار ادبی و داستانی مانند کلیله و دمنه و هزار و یک شب توجه شد. وجه تمایز دیگر این دو دوره آن است که در دوره اول، سلطه دینی و نظارت روحانیان مسیحی بر جریان نهضت ترجمه حاکم بود، اما در دوره دوم، سلطه سیاسی پادشاهان جای آن را گرفت (کلباسی اشتری، ۱۳۸۹: ۱۱۶-۱۱۷؛ جنتال بالثیا، ۱۹۵۵: ۵۳۹-۵۴۰).

به تدریج از اواخر قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی جریان ترجمه در اروپا گسترش یافت و مناطق دیگر مانند سیسیل و جنوب فرانسه نیز با الگوبرداری از طلیطله به ترجمه متون عربی پرداختند؛ بنابراین شاهد افول دارالترجمه طلیطله در نیمه دوم قرن ۱۳ میلادی هستیم. با وجود این باهمت مترجمان و روسای این مرکز،

بیشتر آثار اصلی و مهم اعراب و یونانیان در علوم و فلسفه به لاتین برگردانده شد. (معايرجی، ۱۳۷۱: ۷۱)

مترجمان برجسته دارالترجمه طلیطله

مترجمان دارالترجمه طلیطله شامل افرادی است که در مرحله اول و دوم از دوره دوم در آنجا حضور داشتند و با حمایت‌های افرادی مانند دون رایموندو، دومینگو گوندیسلاوو، آلفونسو ششم، هفتم و دهم به ترجمه متون می‌پرداختند. در ادامه تعدادی از برجسته‌ترین مترجمان دارالترجمه طلیطله بر اساس دوره زمانی معرفی شده‌اند:

- اسقف اعظم ریموند طلیطلی / ریموند اول^{۱۴}

مؤسس مدرسه ترجمه طلیطله که از ۵۱۸ تا ۵۴۵ قاسقف و مشاور اعظم ملوک وقت قشتاله (کاستیل) بود. هدف ریموند از تأسیس این مدرسه، تشویق مترجمین برای ترجمه منابع عربی به زبان لاتین بود. بعد از وفات وی جانشینانش راه او را ادامه دادند و بدین‌وسیله حرکت ترجمه در شهر طلیطله بیش از یک قرن ادامه داشت.

(کعدان و عنجرینی، ۱۳۸۹: ۵۹) وی ریاست عده‌ای از مترجمین را بر عهده داشت که متون عربی را به زبان قشتاله (کاستیلی) سپس به لاتین ترجمه می‌کردند. وی تحت تأثیر ادبیات، هنر، فلسفه، نجوم، طب و ریاضیات مسلمانان آثاری پدید آورد. (الویری، ۱۳۹۱: ۵۱) البته گاهی نیز مترجمان متون عربی را مستقیم به لاتین یا یونانی ترجمه می‌کردند. به‌عنوان نمونه برخی از آثار ارسطو را ترجمه کردند

(https://en.wikipedia.org/wiki/Toledo_School_of_Translators)



- یوحنا اشبیلی^{۱۵}

از مترجمان برجسته متون عربی به لاتین در قرن ۱۲ میلادی به شمار می‌رفت که درباره وی اختلاف نظر وجود دارد؛ اینکه وی را یوحنا بن داود می‌دانند که از یهودیت به مسیحیت گرویده بود و متون را از عربی به اسپانیایی و سپس گوندیسالوو به لاتینی ترجمه می‌کرد. یا وی را از اشبیلیه (سویل/ سویا) دانسته‌اند که متون را مستقیم از عربی به لاتین ترجمه می‌کرد (بدوی، ۱۹۹۳: ۶۳۱). در سال‌های ۵۳۱ تا ۵۴۷ ق در شهر طلیطله می‌زیست. متونی که او از عربی ترجمه کرد شامل ۲۵ کتاب و رساله بود که در موضوعات حساب، نجوم، طب و فلسفه بود. از مهم‌ترین آن‌ها کتاب حساب خوارزمی است که مبنای ریاضیات اعشاری در اروپا گردید. از میان ۱۳ ترجمه او در نجوم، «رسالیل» بتانی، ثابت بن قره، ابومعشر بلخی و مسلمه مجریطی از اهمیت بیشتری برخوردار بود. ترجمه او در فلسفه شامل هفت اثر از جمله «رساله فی العقل» از الکندی، «احصاء العلوم» فارابی، قسمتی از کتاب «الشفاء» ابن سینا و «مقاصد الفلاسفه» غزالی بود. بسیاری از این کتاب‌ها در طی قرون ۱۵ و ۱۶ م با ظهور صنعت چاپ، به چاپ رسیدند؛ از آن جمله می‌توان به کتاب «نجوم» فرغانی اشاره کرد که در سال ۸۹۷ ق در شهر فراره^{۱۶} چاپ شد و نیز کتاب «الموالید» ابن خیاطدر سال ۹۵۲ ق در نورنبرگو «رساله فی العقل» کندی در ۸۹۴ ق در آکسبورگ چاپ شدند. (کنعانی و عنجرینی، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۷؛ کلباسی اشتری، ۱۳۸۹: ۱۱۴؛ بدوی، ۱۹۹۳: ۶۳۰-۶۳۲)

- جرارد کریمونایی / گیرارد دو گریمونا^{۱۷} (۵۰۸-۵۸۲ ق)

گرهارد، ژرارد اصلاتی ایتالیایی داشت و راهبی بندیکتی بود. (الویری، ۱۳۹۱: ۵۱) وی که جرارد طلیطلی هم نامیده می‌شود در شهر کریمونا در شمال ایتالیا متولد شد. علاقه زیاد به کتاب «المجسطی» وی را به طلیطله کشاند. فراوانی کتاب در آنجا سبب شد



تا به آموختن زبان عربی و ترجمه آثار مذکور روی آورد که این موضوع تا پایان عمرش در ۵۸۲ ق ادامه داشت. تقریباً در همه شاخه‌های مختلف علوم و اکثر آثار نویسندگان یونانی که نسخه‌های عربی آن‌ها موجود بود کارکرد. همچنین بعد از دومینیکو گوندیسالوو عهده‌دار ریاست مدرسه طلیطله شد. (کنعانی و عنجرینی، ۱۳۸۹: ۶۰). وی بالغ بر ۸۷ اثر عربی را به لاتینی ترجمه کرد (الویری، ۱۳۹۱: ۵۱).

سرانجام در طلیطله پس از ۷۳ سال عمر، درگذشت. اروپا از طریق وی با قانون ابن سینا و بعضی از آثار ارسطو آشنا شد (همانجا) مهم‌ترین کتاب‌های پزشکی عربی ترجمه شده توسط جرارد عبارت‌اند از: «معرفه قوه الادویه المركبه و فی البصریات» نوشته کندی، کتاب «کناش» نوشته یحیی بن سرائیون، «المنصوری»، «مقدمه فی الطب» و کتاب «التریاقات» و دیگر کتاب‌های رازی، کتاب «الجراحه» (مقاله سی‌ام از کتاب التصریف لمن عجز عن التالیف) نوشته ابوالقاسم زهراوی، کتاب «القانون ابن سینا»، «کتاب الادویه المفرده» نوشته ابن وافد، «شروح جالینوس» نوشته علی بن رضوان، «علم الحیل» نوشته ثابت بن قره، کتاب «الاقربادین» نوشته ابن جزار. کتاب «طب العلوم» نوشته عمار بن علی، «کتاب الجوهر». جرارد کریمونی علاوه بر کتب فوق آثاری از ثابت بن قره، اسحاق بن سلیمان اسرائیلی، خوارزمی، فارابی و بنی موسی را ترجمه کرده است. همچنین تعدادی از کتب فلک، ریاضیات، طبیعیات، علم حیل (مکانیک) و علم نجوم (ستاره‌شناسی) از جمله کتاب «جداول طلیطله» که ترجمه‌ای است از کتاب «فی الفلک» نوشته زرکلی را برگردان نموده است. (همان: ۶۲-۶۳)

-دومینگو گوندیسالوو / دومینیکوس گوندیساینوس^{۱۸} (د. ۵۷۶ ق / ۱۱۸۱ م)
 پیشوای دینی سگویا.^{۱۹} (کلباسی اشتری، ۱۳۸۹: ۱۱۴) چنان‌که گفته شد او در ترجمه متون اسلامی با یوحنا اشبیلی همکاری می‌کرد به این صورت که یوحنا متون عربی



را به اسپانیایی سپس گوندیسلاوو آن‌ها را بهلاتین ترجمه می‌کرد (عقیقی، ۱۹۶۴: ۱۲۵). بیشتر آثارش در موضوع فلسفه بود. کارهای وی در رساله‌های اصیل اسلامی‌اهمیتدر مقایسه با ترجمه‌هایش اهمیت بیشتری دارد. به‌هرروی از طریق ترجمه‌ها، اقتباس‌ها و تهذیب‌هایش بود که قسمت اعظم فلسفه اسلامی و یهودی اسپانیا به قلمرو مسیحیت لاتینیوارد شد. وی در سال ۵۷۸ ق درگذشت. هنگامی‌که ترجمه‌های او و یوحنا ابن‌داوود در اروپا منتشر شد، شهرت مدرسه ترجمه طلیطله افزایش یافت و گروه‌های بسیاری از کشورهای اروپایی که شیفته علوم یونانی و تألیفات عربی بود بدان سو شتافتند. از مشهورترین این اروپاییان می‌توان به جرارد کریمونا، مایکل اسکات، آدلارد اهل باث و هرمان دالماطی یادکرد (کلباسی اشتری، ۱۳۸۹: ۱۱۴؛ عقیقی، ۱۹۶۴: ۱۲۵).

-مارکوس طلیطلی^{۲۰} (۵۸۸-۶۱۲ ق/۱۱۹۳-۱۲۱۶ م)

از شاگردان و همتای کوچک‌تر جرارد محسوب می‌شود. آثاری که حنین بن اسحاق و جیش بن ابی الحسن از کتاب‌های جالینوس و رساله «الاهویه والمیاه والبلدان» بقراط تعریب کرده بودند، ترجمه کرده است. همچنین قرآن را پس از اولین ترجمه آن به زبان لاتینی توسط «peter the venerable» تحت عنوان «pseudopropheteLexMahumet» بار دیگر به زبان لاتینی ترجمه نمود. (کنعانی و عنجرینی، ۱۳۸۹: ۶۳)

-ابراهیم بن عزرا معروف به ابن عزرا^{۲۱} (۴۸۴-۵۶۲ ق - ۱۰۹۰-۱۱۶۷ م)

از مشهورترین مترجمان یهودی و متولد شهر طلیطله که آثار عربی را به عبری ترجمه می‌کرد. ترجمه شرح ابوریحان بیرونی بر زیج خوارزمی از عربی به عبری در سال ۵۵۵ ق یکی از مهم‌ترین کارهای وی به شمار می‌رود. همچنین دو رساله در احکام

نجوم ترجمه کرد. با ترجمه‌های وی بود که دانشمندان اروپایی با دانسته‌ها و دستاوردهای منجمان و ریاضیدانان مسلمان آشنا شدند. در مجموع وی ۱۰۸ کتاب به زبان عبری ترجمه یا تألیف کرد. (برای اطلاع بیشتر نک: رازپوش، ۱۳۶۷: ۲۸۷-۲۸۹).

-هرمان دالماتیایی / هرمانوس دالماتیا / هرمان دالماتی^{۲۲} (د. ۵۶۷ ق/ ۱۱۷۲ م)

او در پاریس تحصیل کرد و از ۵۳۲-۵۳۶ ق در اسپانیا بود. از آثار مهم او ترجمه رساله‌ای از سهل بن بشر در نجوم، ترجمه زیج خوارزمی، کتاب «المدخل» ابومعشر بلخی و «تسطیح الاکر» بطلمیوس و شرح آن از مسلمه مجریطی بود (عقیقی، ۱۹۶۴: ۱۲۴). وی هم‌زمان با ترجمه قرآن که با همکاری رابرت چستری انجام داد دو رساله بر ضد اسلام به نام‌های امت اسلام و آیین محمدی نوشت (کلباسی اشتری، ۱۳۸۹: ۴۱).

-مایکل (میخائیل) اسکات^{۲۳} (۵۷۶ ق / ۱۱۸۰ یا ۱۱۹۰ م، ۶۳۲ ق/ ۱۲۳۵ م)

وی از برجسته‌ترین مترجمان و دانشمندان دوره خود به شمار می‌رفت. اسکات حلقه اتصال ترجمه در دربار فردریک دوم و دارالترجمه طلیطله محسوب می‌شد. او با زبان‌های یونانی، عربی، عبری و کلدانی آشنا بود. در سال ۶۲۴ ق به سیسیل و دربار فردریک دوم رفت و منجم وی شد. ترجمه‌های او عبارت‌اند از: کتاب «الهیته» بطروجی، کتاب «الحيوان» ابن سینا (که آن را به فردریک دوم هدیه کرد)، برخی آثار ارسطو مانند الحیوان، النفس، فی السماء و العالم، مابعدالطبیعه، در برخی منابع، ترجمه تفسیرهای مفصل ابن رشد بر این آثار ارسطو را نیز به وی نسبت داده‌اند و برخی از محققان ترجمه‌های او را سرآغاز مطالعه عمیق متون ارسطویی دانسته‌اند. همچنین وی



با همکاری تنودور انطاکی آثار عربی در جانورشناسی را برای فردریک دوم ترجمه کرد. (کلباسی اشتری، ۱۳۸۹: ۱۱۷-۱۱۸)

- راجر بیکن^{۲۴} (۶۱۱ ه.ق/ ۱۲۱۴. م، ۶۹۱ ه.ق/ ۱۲۹۲. م)

وی از فیلسوفان قرون وسطی و راهبی فرانسیسکنی و معاصر آلفونسو دهم بود. بیکن شیفته فرهنگ عربی بود و در مقایسه با دوره رومی (حکومت رومیان) و فرهنگ رومی در غرب، دوره عربی لاتینی و فرهنگ عربی حاکم بر این دوره راستایش می‌کرد. وی «مرآه الکیمیا» و «سراسر» را ترجمه کرد (همان: ۱۱۸)

- ابراهیم طلیطلی^{۲۵}

ابراهیم طلیطلی معروف به حکیمکه ابراهیم یهودی اسپانیایی نیز نامیده می‌شد. وی حدود سال‌های ۶۵۸-۶۷۵ ق مشغول به فعالیت بود. برخی از ترجمه‌های او عبارتند از: «هیئه العالم» ابن هیثم که آن را با تصرف بسیار با عنوان «السماء والعالم» از عربی به اسپانیایی ترجمه کرد؛ «الاسراء والمعراج» یا معراج محمد (ص) که آن را بدستور آلفونس دهم از عربی به اسپانیایی ترجمه کرد و بواسطه آن مورد تشویق و تمجید وی قرار گرفت؛ «صحیفه الزرقالی» که ترجمه کتاب «الاسطرلاب» زرقالی است. (همان: ۱۱۸)

- موسی بن سمّوئیل بن تبون (طبون)^{۲۶}. (۶۳۷-۶۸۲ ق / ۱۲۴۰-۱۲۸۳ م)

او از مترجمان یهودی بود که برخی متون عربی را به عبری ترجمه کرد. از جمله ترجمه‌های او می‌توان به اصول اقلیدس، قانون الصغیر ابن سینا، تریاق رازی، برخی از تألیفات ابن میمون و برخی از شروح مختصر ابن رشد بر آثار ارسطو اشاره کرد.

(همان: ۱۱۹)

نتیجه گیری

در سیر مطالعات اسلامی در غرب، نهضت ترجمه متون اسلامی به زبان‌های اسپانیایی، کاستیلی (قشتالی) و عبری از اندلس آغاز شد. در بین شهرهای اندلس، طلیطله به دلیل شرایطی از قبیل موقعیت جغرافیایی، کتابخانه‌ها، افرادی که به چند زبان (عربی، عبری و لاتین) مسلط بودند، همچنین مترجمان یهودی این فرصت را داشت که بعد از حضور مسیحیان در سال ۴۸۷ ق به‌عنوان مرکز این حرکت علمی انتخاب شود. حمایت‌های آبابی کلیسا و سیاستمداران سبب رونق ترجمه متون اسلامی تا قرن دوازدهم در طلیطله شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد ترجمه‌ها مستقیم از عربی به لاتین یا از عربی به عبری یا اسپانیایی سپس به لاتین انجام می‌گرفت. ترجمه‌ها طیف وسیعی از علوم را شامل می‌شد، اما متون فلسفی، طبی، نجومی و ریاضیات در اولویت کار مترجمان این مرکز قرار داشت. همزمان با حکومت آلفونسو دهم دارالترجمه طلیطله یکی از دوره‌های درخشان ترجمه را سپری کرد، زیرا وی بر تمام امور نظارت می‌کرد و بسیاری از مترجمان را از نقاط مختلف به این مرکز آورد. دارالترجمه طلیطله تا قرن سیزدهم میلادی به کار خود ادامه داد و به‌عنوان اولین مرکز ترجمه الگوی بسیاری از مراکز دیگر در اروپا به شمار می‌آید.

1. Rimond.
2. Domingo Gundisalvo
3. Gerard of Cremona
4. Mozarabic.
5. Gerbert of Aurillac.
6. Silvester II.
7. Toleteum.
8. Toledo.

۹. البته اولین حاکم بنی ذی النون در طلیطله، اسماعیل بن عبدالرحمن بن ذی النون نام داشت که در سال ۴۲۷ ق رسماً در این شهر اعلان استقلال کرد (نک: ابن خلدون، ۱۹۷۹: ۴ / ۶۱؛ مقرئ، ۱۹۶۷: ۱ / ۱۵۲).

10. Alfonso VI.
11. The king of the two religions.
12. Mozarab.
13. El Sabio.
14. Raymond of Toledo.
15. JohnnesHyspalensis.
16. Ferara.
17. Gerard of Cremona.

۱۸. Segovia: شهری متشکل از روستاهای به هم پیوسته که در ۱۰۰ میلی طلیطله واقع بود (حمیری، ۱۹۸۴: ۳۵۰).

19. Dominicus Gundissalinus.
20. Marc of Toledo.
21. Abraham ibn Ezra.
22. Hermanus Dalmata.
23. Michael Scott.
24. Roger Bacon.
25. Abraham of Toledo.
26. Moses ibn Tibbon.



منابع

ابن اثير، عزالدین (۱۴۱۳ق). **الکامل فی التاریخ**، بیروت: دارصادر للطباعه و النشر.

ابن الآبار، ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن ابی بکر القضاعی (۱۹۸۵ م). **الحله السیراء**،

تحقیق حسین مونس، دارالمعارف.

ابن بسام، ابی الحسن علی بن بسام الشترینی (۱۹۷۸ م). **الذخیره فی محاسن اهل**

الجزیره، تحقیق احسان عباس، تونس: الدار العربیه للکتاب.

ابن حیان (۱۹۸۳ م). **المقتبس فی اخبار بلد الاندلس**، تحقیق عبدالرحمن علی

الحجی، بیروت: نشر و توزیع دارالثقافه.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد بن خلدون (۱۹۷۹ م). **تاریخ ابن خلدان**،

بیروت: موسسه جمال للطباعه و النشر.

ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین احمد بن شهاب الدین محمد (۱۴۱۴ م). **وفیات**

الاعیان و انباء ابناء الزمان، ج ۵، تحقیق احسان عباس، بیروت: دارصادر.

ابن سعید مغربی (بی تا). **المغرب فی حلی المغرب**، حقه و علقه علیه شوقی

ضیف، مصر: دارالمعارف، بی تا.

ابن شباط، محمد بن علی (۱۹۶۸ م). **وصف الاندلس**، اسبانيا: صحیفه معهد الدراسات

الاسلامیه.

ابن عذارى (۱۹۶۷ م). **البيان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب**، تحقیق لیفی

بروفنسال و ج. س. کولان، بیروت-لبنان: دارالثقافه.

ابن قوطیه (۱۹۹۴ م). **تاریخ افتتاح الاندلس**، بیروت: موسسه المعارف للطباعه و

النشر.



ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل بن نورالدین (۱۸۴۰ م). کتاب تقوم البلدان، باريس: درالطباعة السلطانية.

الویری، محسن (۱۳۹۱). مطالعات اسلامی در غرب، تهران: سمت.

ارسلان، شکیب (۱۹۶۴ م). التحلل السندسیه فی الاخبار و الآثار الاندلسیه، قاهره: دارالکتاب الاسلامی.

بالنثیا، آنخل جنتال (۱۹۵۵ م). تاریخ الفكر الأندلسی، نقله عن الاسبانیه حسین مؤنس، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.

بدوی، عبدالرحمن (۱۹۹۳). موسوعه المستشرقین، بیروت: دارلعلم للملایین.

بستانی، بطرس (بی تا). دائره المعارف، ج ۱۱، بیروت: دارالمعرفه.

بغدادی، صفی الدین عبدالمومن بن عبدالحق (۱۹۵۴ م). مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: داراحیاء الکتب العربیه.

بکری، ابی عبید (۱۹۶۸ م). جغرافیه الاندلس و اوروبا من کتاب المسالك و الممالک، تحقیق عبدالرحمن علی الحجی، بیروت: دار الارشاد للطباعة و النشر و

التوزیع.

بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۹۵۷ م). فتوح البلدان، تحقیق صلاح الدین المنجد، قاهره: مطبعه لجنه البیان العربی.

حایک، سیمون (۱۹۸۷ م). تعریب و تغریب او نقل الحضاره العربیه الی الغرب، جونیة: المطبعه البولسیه.

حموی، شهاب الدین ابی عبدالله یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۰ م). معجم البلدان، بیروت:

بی نا.

حمیری، محمد عبد المنعم (۱۹۸۴ م). *الروض المعطار فی جنه الأقطار*، تحقیق
إحسان عباس، بیروت: بی نا، ط الثانية،

رازپوش، شهناز «ابن عزرا» (۱۳۶۷). *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم
موسوی بجنوردی، ج ۴، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

رشاد، محمد (۱۳۷۳). *جنگ‌های صلیبی*، تهران: نشر اندیشه.

شعبان، نادیا ظافر (۱۹۷۹ م). «الفونسو العاشر و الاسلام»، *المجله العربیه السعودیه*،
عدد مزدوج ۴-۵.

عقیقی، نجیب (۱۹۶۴ م). *المستشرقون*، مصر: دارالمعارف.

عنان، محمد عبدالله (۱۹۹۷ م). *دوله الاسلام فی الاندلس*، قاهره: مکتبه الخالجي.

قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۹۵۰ م). *آثار البلاد و اخبار العباد*، بیروت: دار
بیروت للطباعه و النشر.

کلباسی اشتر، حسین (۱۳۸۹). «نهضت ترجمه متون علمی-فلسفی تمدن اسلامی
به زبان لاتینی در اروپا»، فصلنامه *تاریخ فلسفه*، ش ۲.

کنعان و عنجرینی (۱۳۸۹). «نقش شهر طلیطله در انتقال طب اسلامی به اروپا»،
ترجمه فرزانه غفاری و هانیه مرتضی، فصلنامه *تاریخ پزشکی*، سال ۲، ش ۲.

مجهول المؤلف (۱۹۸۱ م). *اخبار مجموعه فی فتح الاندلس و ذکر امرائها*، تحقیق
ابراهیم الابیاری، بیروت: دارالکتاب البنانی.

معايرجی، حسن (۱۳۷۱). «نخستین ترجمه‌های لاتینی قرآن کریم و تأثیر آن بر
ترجمه‌های قرآن به زبان‌های اروپایی»، *دوماهنامه آینه پژوهش*، ش ۱۵.

مقری، احمد بن محمد التلمسانی (۱۹۶۷ م). *نفع الطیب من غصن الاندلس الرطیب*
و ذکر لسان الدین بن خطیب، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت:
دارالکتاب العربی.

مونس، حسین (۱۹۹۶م). موسوعه تاریخ الاندلس، مکتبه الثقافه الدینیة.

نصری، عبدالهادی (۱۹۹۳م). دور الاندلس فی انتشار العلوم العربیة الی اوروبا، حلب: منشورات جامعه حلب.

همتی گلیان، عبدالله (۱۳۸۶). تاریخچه شرق شناسی (کاوشی در سیر مطالعات اسلامی در غرب)، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

Burnett, Charles (2001). the coherence of the Arabic ° Latin translation program in Toledo in the twelfth century), **science in context**, 14 (1/2).

Pym, Anthony (1996). (The price of Alfonso swisdom. Nationalist translation policy in thirteenth century Castile), **the medieval translator**.

https://en.wikipedia.org/wiki/Toledo_School_of_Translators.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی